

خاتمی، تشکیلاتی‌تر از روحانی و احمدی‌نژاد

در گفت‌وگویی «اعتماد» با علی‌محمد
نمازی، عضو ارشد حزب کارگزاران
سازندگی مطرح شد

خاتمی، تشکیلاتی‌تر از روحانی و احمدی‌نژاد

شاید روحانی می‌خواهد در صحنه بماند تا مثلاً
برای انتخابات مجلس فعالیت کند اما اهل کار
تشکیلاتی نیست

احمدی‌نژاد مصداق سیاستمدار اپورتونیست است و با اسب زین کردن
آماده ورود به میدان است

جلیلی نه با خاتمی و روحانی قابل مقایسه است، نه از چهره‌های
شاخص اصولگراست

آقای نمازی! حتماً بارها شنیده و حتی احتمالاً گفته‌اید که
«روسای‌جمهور در ایران عاقبت بخیر نمی‌شوند!» فارغ از صدق و کذب این
گزاره، با توجه به تحرکاتی که حسن روحانی پس از چند ماه سکوت،
ظاهراً از روز اول هفته با برگزاری نشست مجازی با اعضای دولتش
داشته و در ادامه از میانه هفته با حضور در اجلاس دو روزه مجلس
خبرگان رقم زد، به نظر شما او چه مسیری را در آینده دنبال خواهد
کرد؟ مشخصاً به نظر شما آیا برگزاری این جلسات مجازی دولت
اعتدال می‌تواند آغاز فعالیت تشکیلاتی و منسجم او باشد؟

آقای روحانی به این خاطر که پیش از دوران ریاست‌جمهوری، چندان اهل
کار تشکیلاتی و حزبی نبوده و مهم‌ترین تشکلی که با آن همکاری

داشته، همان جامعه روحانیت مبارز است که آن‌هم با توجه به میزان و گستردگی فعالیت‌های این نهاد سیاسی- مذهبی که معمولا در حد تهیه لیست انتخاباتی است، آقای روحانی هم جز همین همکاری انتخاباتی و حضور در لیست جامعه روحانیت و البته حزب موتلفه، چندان فعالیت ویژه‌ای در این حوزه نداشته است. او هرگز هیچ تشکل و حزب جدی و نظام‌مندی را راهبری و هدایت نکرده است. در حال حاضر هم همین وضع حاکم است و فکر نمی‌کنیم آمادگی این را داشته باشد که بخواهد با جدیت وارد گود شده و به نحوی سازمان‌یافته نیروهای سیاسی نزدیک به خود و در سطحی دیگر حامیان سیاسی‌اش را گردهم بیاورد و کار سیاسی و تشکیلاتی جدی را از این مسیر دنبال کند. البته این به معنای آن نیست که او هیچ کاری نخواهد کرد، بلکه می‌خواهم بگویم که مشخصا در بحث کار تشکیلاتی سیاسی، بعید می‌دانم قرار باشد اقدامی را از آقای روحانی ببینیم. هرچند بعید نیست که بخواهد همچنان حضور خود را در صحنه سیاسی حفظ کند و برای مثال در آینده در انتخابات مجلس یا مواردی از این دست شرکت کند.

با این حساب مقایسه روحانی با دو رییس‌جمهوری پیشین یعنی محمود احمدی‌نژاد و به‌خصوص سیدمحمد خاتمی که نزدیکی بیشتری هم به او دارد، از این حیث چگونه خواهد بود؟

وضع آقای خاتمی متفاوت است. اتفاقا ایشان به مراتب بیشتر از روحانی اهل کار تشکیلاتی است. اولاً از همان زمانی که حزب مشارکت تاسیس و فعال شد، به هر حال مشارکت، تشکیلاتی منتسب به آقای خاتمی بود. ضمن آنکه پس از پایان دوره ریاست‌جمهوری هم بنیاد باران را تاسیس کرد و به مراتب بیشتر درگیر کار تشکیلاتی بود. به هر حال بنیاد باران به عنوان تشکیلاتی که با حضور وزیران دولت اصلاحات و استانداران و مدیران ارشد این دولت، دارای دفتر و سازوکار به مراتب سامان‌یافته‌تری بود و احزاب و تشکلهای اصلاح‌طلب با ایشان دیدار و نشست و برخاست داشتند. چنان‌که ما در مجمع نمایندگان ادوار بارها با آقای خاتمی در بنیاد باران دیدار کرده و جلساتی داشتیم. اما آقای روحانی حالا بعد از حدود 6 ماه، تازه یک جلسه مجازی را با اعضای دولتش برگزار کرده و فکر نمی‌کنم از این حیث بتوانیم او را با آقای خاتمی مقایسه کنیم. بنابراین همان‌طور که گفتم فکر می‌کنم آقای روحانی نهایتاً می‌خواهد در صحنه باشد و در بلندمدت غیبت نداشته باشد و نهایتاً در انتخاباتی در آینده مثلاً برای ورود به مجلس فعالیت کند.

رفتار تشکیلاتی سعید جلیلی را چطور می‌بینید؟ البته متوجهم که او هرگز رییس‌جمهوری ایران نبوده اما چند نوبت کاندیدای انتخابات ریاست‌جمهوری بوده و فارغ از آنکه به لحاظ سطح نفوذ و جایگاه سیاسی

بتوان او را با چهره‌هایی که از آنان نام بردیم، مقایسه کنیم، از آنجا که نام جلیلی بیش از هر سیاستمداری به «دولت سایه» گره خورده و صرف‌نظر از اینکه این تعبیر و مفهوم «دولت سایه» اساساً در نظام‌های ریاستی کاربرد دارد یا نه، می‌توان گفت که او از سال 92 به این‌سو، تقریباً تمام مدت در «دولت سایه» فعال بوده است.

ببینید، اولاً چنان‌که اشاره کردید «دولت سایه» مختص نظام انتخابات پارلمانی و حیطه و حوزه فعالیت حزبی است که در انتخابات ناکام مانده و رقیبش را در «دولت مستقر» می‌بیند. در واقع این مفهوم در نظام‌های سیاسی ریاستی مثل نظام سیاسی ایران قابل تصور نبوده و مختص نظام‌های پارلمانی است؛ در نتیجه تشکیل «دولت سایه» در ایران قابل‌تصور نیست. نکته مهم دیگر اینکه آقای جلیلی به‌واقع از چهره‌های شاخص و اصلی جریان اصولگرا نیست و بزرگان جناح راست و چهره‌های شاخص این جریان سیاسی فعال هستند و اگر قرار بر این باشد که مثلاً فردی را به عنوان کاندیدای این جریان به میدان انتخابات بفرستند، آنها در این مسیر اقدام می‌کنند و اگر تشخیص بدهند که آقای جلیلی می‌تواند کاندیدای اصولگرایان باشد، طبیعتاً در همان تشکیلاتی که دارند، در این رابطه تصمیم‌گیری می‌کنند و او را به میدان می‌فرستند. نکته بعد هم اینکه آقای جلیلی به لحاظ جایگاه سیاسی با چهره‌هایی چون آقایان خاتمی و روحانی قابل مقایسه نیست. در واقع شهرت جلیلی صرفاً در همان مذاکرات هسته‌ای در زمان دولت احمدی‌نژاد بوده و به جز این چندان کارنامه‌ای ندارد. در واقع به جز نقشی که در مقطعی در مذاکرات هسته‌ای داشت و چند انتخابات که اغلب بدون پشتوانه تشکیلاتی وارد شد و دستاوردی هم نداشت، به نحوی که حتی پیش‌بینی اینکه به مرحله دوم برسد، در مورد جلیلی مطرح نبوده است.

یک توضیح مهم را هم باید درباره آقای خاتمی عرض کنم؛ اینکه به‌رغم ادعایی که اخیراً بعضی جریان‌ها مطرح کرده و با دامن زدن به بعضی مسائل، این‌طور القا کردند که آقای خاتمی دیگر کاری به امور مملکت و مسائل سیاسی ندارد، باید تأکید کنم که اتفاقاً آقای خاتمی نمی‌خواهد اصلاح‌طلبان و حتی مباحث انتخاباتی را رها کند. در واقع آنچه اخیراً به نقل از او در این رابطه مطرح شد، صرفاً ناظر بر این بوده که خاتمی نمی‌خواهد در مقام کاندیداتوری ایفای نقش کند و در واقع صحبتی که مطرح کرده احتمالاً به این معنا بوده که دوستان اصلاح‌طلب دیگر برای کاندیداتوری سراغ او نروند. آقای خاتمی شاید تمایلی به ورود به حوزه اجرایی نداشته باشد اما به نظرم صحنه را ترک نخواهد کرد و در مسیر همراهی با اصلاح‌طلبان و فعالیت‌های انتخاباتی این جریان سیاسی کماکان در صحنه خواهد ماند.

مشی و روشی را که احمدی‌نژاد در این حدود يك دهه گذشته پس از پایان دوران ریاست‌جمهوری پیش گرفته، چطور ارزیابی می‌کنید؟

به نظرم آقای احمدی‌نژاد مصداق سیاستمدار فرصت‌طلب و اپورتونیست در فضای سیاسی ایران است. احمدی‌نژادی که با شعارهای آخرالزمانی و مهدویت وارد عرصه انتخابات شد و در ادامه در دور دوم به مباحث ملی و طرح مسائلی درباره پادشاهان هخامنشی همچون کوروش کبیر پرداخت و در نهایت هم به منتقد اصلی نظام تبدیل شده است. البته با توجه به اینکه تعبیر «فرصت‌طلب» را به کار بردم، باید این نکته را توضیح بدهم که در واقع یکی از ویژگی‌های آقای احمدی‌نژاد که اتفاقاً از جهاتی بسیار هم مثبت است، همین است که به جامعه توجه می‌کند و دقت دارد که مردم به چه موضوع و مساله‌ای توجه دارند و چه مسائلی برای جامعه اهمیت دارد و بر همان اساس موضع‌گیری می‌کند. چنان‌که در همین اواخر شاهد بودیم با نگاهی که به رویکرد جامعه داشت، نسبت به مسائل روسیه موضع گرفت و موضع بسیار خوبی هم اتخاذ کرد. معتقدم احمدی‌نژاد همواره آماده است که به محض فراهم شدن شرایط و زمینه مساعد، در میدان حضور پیدا کند. در واقع اسبش را زین کرده و به محض آنکه تایید صلاحیت شود - که معتقدم بعید هم نیست و احتمال دارد که در آینده چنین اتفاقی بیفتد - وارد میدان می‌شود. ضمن آنکه دست‌کم بخشی از جامعه هم به خاطر همین شعارهای پوپولیستی و مواضع عوام‌پسندی که اتخاذ می‌کند، این احتمال نیز قابل‌تصور است که به موفقیت برسد.

شاید روحانی می‌خواهد در صحنه بماند تا مثلاً برای انتخابات مجلس فعالیت کند اما اهل کار تشکیلاتی نیست

احمدی‌نژاد مصداق سیاستمدار اپورتونیست است و با اسب زین کردن آماده ورود به میدان است

جلیلی نه با ختمی و روحانی قابل مقایسه است، نه از چهره‌های شاخص اصولگراست

منبع: روزنامه اعتماد 19 اسفند 1400 خورشیدی